

استفاده رژیم صهیونیستی از هوش مصنوعی در جنگ غزه

رژیم صهیونیستی که یکی از بازیگران پیشرو در «نظامی سازی فناوری های نوین» و به ویژه هوش مصنوعی است، جنگ غزه را تنها یک چالش یا تهدید نظامی نمی بیند، بلکه در سایه انتفاع نپادهای بین المللی و خلأ قواعد حقوقی لازم در این زمینه، آن را به «فرصتی» برای آزمایش فناوری های نوین نظامی اش تبدیل کرده است که همچنان ابعاد زیادی از آن ناگفته و پنهان مانده است. رژیم صهیونیستی برای «نخستین بار» و به صورت رسمی در جنگ ۱۱ روزه غزه (سیف القدس) در سال ۲۰۲۱ از هوش مصنوعی برای تعیین مکان های پرتاب موشک و استقرار انبوهی از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کرد. در چهار سال گذشته نیز تقریباً در تمام درگیری های کوچک و بزرگ با فلسطینی ها و جبهه مقاومت اسلامی، به شکل «نامعارف» از هوش مصنوعی بهره برده است که این مسئله در سطح بین الملل و در برخی محافل حقوق بشری هم موجب بروز اعتراضاتی شده است. اوایل سال جاری میلادی دبیرکل سازمان ملل در سخنانی به خطرات استفاده از هوش مصنوعی در جنگ غزه توسط رژیم صهیونیستی هشدار داد و گفت: «هوش مصنوعی باید برای نفع جهان مورد استفاده قرار گیرد، نه برای کمک به جنگ در سطح صنعتی که مسئولیت پذیری را دشوار می سازد.» جنگ غزه فرصت بی سابقه ای را به ارتش رژیم صهیونیستی داده است تا از فناوری های مربوط به هوش مصنوعی در صحنه عملیاتی بسیار گسترده تر سوءاستفاده کند که موجب گسترش عمق دامنه حیاتیات جنگی این رژیم در غزه شده است؛ این در شرایطی است که یکی از قابلیت های مهم هوش مصنوعی، می تواند کاهش شدید تلفات غیرنظامی در جنگ ها و جلوگیری از نابودی زیرساخت های خدماتی باشد. از نخستین روزهای آغاز جنگ، رژیم صهیونیستی از سه نرم افزار به نام گاسپل (Gospel) که مراکز و زیرساخت ها را شناسایی می کند، لاوندر (Lavender) که افراد را شناسایی می کند و پدر کجاست (Where is Daddy) که برای ردیابی و هدف قرار دادن شبه نظامیان مظنون زمانی که آن ها در خانه یا خانواده خود هستند، استفاده می کند؛ به ویژه در این میان استفاده از نرم افزار «لاوندر» مشهودتر بوده و نقش مؤثری در افزایش شدید آمار شهدا در غزه داشته است. لاوندر با دسترسی به یک پایگاه عظیم داده از بخش زیادی از جمعیت غزه، آن ها را از طریق یک سیستم نظارت جمعی تجزیه و تحلیل نموده، سپس احتمال فعالیت هر فرد معین در گروه های مقاومت فلسطینی را ارزیابی و طبقه بندی می کند. این نرم افزار که دارای «خطاهای» زیاد در فرآیندهای تشخیصی و شناسایی است، تقریباً به همه افراد مظنون غزه با توجه به نزدیکی یا شباهتی که امکان «است» به نیروهای مقاومت داشته باشند از ۱ تا ۱۰ امتیاز می دهد و به این شکل میزان احتمال مسلح بودن آن ها را مشخص می کند. بنابراین افرادی که بنا به برآوردهای هوش مصنوعی دارای امتیاز بالا هستند، در نتیجه احتمال عضویت آن ها در حماس و جهاد اسلامی هم بیشتر است. بدون توجه به اینکه ممکن است غیرنظامی باشند در هر نقطه ای که حضور داشته باشند، مورد هدف قرار می گیرند. نکته قابل تأمل اینجاست که هنگام حمله به گروه های کوچک مقاومت که توسط سیستم های هوش مصنوعی مانند لاوندر شناسایی می شوند، تعداد غیرنظامیان «مجاز به کشته شدن» در کنار هر هدف بین ۲۰ تا ۱۰۰ نفر متغیر است که تحت عنوان «خسارات جانبی» طبقه بندی می شوند. به عبارت دیگر، هر قدر امتیاز هدف شناسایی شده بیشتر باشد، تعداد غیرنظامیان مجاز به کشته شدن هم به طور خودکار بالا می رود. به زبان ساده تر، کشته شدن یک فرد مظنون به عضویت در حماس یا جهاد اسلامی، ارزش آن را دارد که ده ها غیرنظامی ولوزن و کودک در اطراف او ترور شوند. ارتش رژیم صهیونیستی با این نرم افزار تاکنون ده ها هزار فلسطینی و منازل مسکونی را به عنوان شبه نظامیان و مناطق مشکوک جهت حمله نظامی، شناسایی و ثبت کرده است. استفاده از برنامه مذکور که توسط واحد ۸۲۰۰ در اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی توسعه یافته است، منجر به نابودی زیرساخت های غزه و مناطق مسکونی و همچنین افزایش قابل توجه تعداد شهدای فلسطینی شده که امروز از مرز ۴۱ هزار نفر نیز فراتر رفته است. اطلاعات و داده های میدانی نشان می دهد که در ۱۱ ماه گذشته، رژیم صهیونیستی از هوش مصنوعی به عنوان یک «ماشین کشتار» گسترده و فراگیر در غزه بهره برده است؛ به طوری که هوش مصنوعی نقش برجسته ای در برنامه های جنگی ارتش رژیم جنایتکار علیه مردم غزه داشته است که این مسئله باعث تخریب منازل و مناطق غیرنظامی و جان باختن مردم زیادی به ویژه کودکان و زنان شده است. در واقع، رژیم صهیونیستی برای نابود کردن یک هدف که نرم افزارهای هوش مصنوعی آن را تعیین می کنند، صدها هزار تن را از بین می برد که این مسئله خلاف مقررات بین الملل بوده و نوع خود یک جنایت تمام عیار جنگی و عبور از تمام خطوط قرمز انسانی است.



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین الملل

پس از حملات پیجری اسرائیل به حزب الله و اخلاص گسترده در ساختار ارتباطی نیروهای حزب الله و در ادامه، ترور دبیرکل و فرماندهان ارشد نظامی و رهبران سیاسی این گروه، اسرائیل وارد فاز حمله زمینی به جنوب شده است. به نظر می رسد که اسرائیل سعی دارد از فرصت ایجاد شده به واسطه وارد آمدن شوک به ساختار فرماندهی و ارتباطی حزب الله استفاده کند. در حالی که حزب الله تلاش می کند تا ساختارش را از نو سازماندهی کند و خسارات وارد آمده را جبران کند، اسرائیل گزینه هایی را برای حمله زمینی به جنوب لبنان در مقابل خود می بیند. اما واقعیت این است که هیچ نوع عملیات زمینی در جنوب لبنان نمی تواند جنوب این منطقه را برای اسرائیل امن کند. در نتیجه کارزار زمینی اسرائیل در جنوب لبنان ممکن است به یک کارزار طولانی و گسترده تر تبدیل شود و حتی این کارزار طولانی نیز نخواهد توانست همه اهداف اسرائیل را محقق کند اما آسیب های ویرانگری به لبنان وارد خواهد آورد. دوروز پیش تانک های اسرائیلی در مرزهای شمالی با جنوب لبنان مستقر شدند. مقامات آمریکایی نیز بلافاصله اعلام کردند که اسرائیل به آنها اطلاع داده قصد دارد یک «تهاجم زمینی محدود» را در جنوب لبنان آغاز کند. آمریکایی ها اعلام کردند که ممکن است این تهاجم در ساعات آینده رخ دهد. پس از آن علائمی مبنی بر آمادگی اسرائیل برای اجرای این عملیات ظاهر شد. اما پیش از آن و در روزهای ۲۸ و ۲۹ سپتامبر، نیروهای ارتش اسرائیل حمله های گسترده هوایی را در سراسر دره بقاع، بیروت، جنوب لبنان و مرز سوریه و لبنان صورت دادند. این حملات پس از ترور سیدحسن نصرالله در تاریخ ۲۷ سپتامبر صورت گرفت. هدف از این عملیات، تضعیف توانایی های حزب الله، برچیدن ساختار فرماندهی آن و مسدود کردن مسیر محموله های تسلیحاتی از سوریه به لبنان بود. در واقع هدف اسرائیل این بود که حزب الله را در محاصره نظامی قرار دهد و با منزوی کردن این گروه از متحدانش، خطوط تدارکاتی حزب الله را از بین ببرد. به موازات این حملات، شیخ نعیم قاسم، قائم مقام دبیرکل حزب الله لبنان در نخستین سخنرانی خود پس از ترور سیدحسن نصرالله متعهد شد حزب الله به مبارزه ادامه خواهد داد و این گروه همچنان از ظرفیت و توانایی اجرای حملات میان برد و کوتاه برد برخوردار است. نعیم قاسم همچنین اعلام کرد که ساختار رهبری و فرماندهی حزب الله پس از عملیات های ترور اسرائیل به سرعت سازماندهی شده و این گروه برای دفاع در مقابل تهاجم زمینی اسرائیل آماده است. برخی مقامات اسرائیلی که خواستند نامشان فاش شود مدعی شدند که ارتش اسرائیل در روزها و ماه های اخیر عملیات ویژه ای را علیه حزب الله در جنوب لبنان آغاز کرده و به مسیرهایی برای جمع آوری اطلاعات در باره نیروهای حزب الله و سنجش میزان آمادگی این گروه برای ورود به جنگ زمینی دست یافته است. در همان روزهای ۲۸ و ۲۹ سپتامبر، اسرائیل در حملات دیگری به لبنان برخی فرماندهان بلندپایه حماس نظیر فتح شریف و چند مقام دیگر فلسطینی را ترور کرد.

به نظر می رسد اسرائیل تاکنون از هرج و مرج موقتی که در ساختار کنترل و فرماندهی حزب الله ایجاد شده استفاده کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، احتمالاً سعی دارد از فرصت ایجاد شده برای از بین بردن شاخه نظامی حزب الله لبنان استفاده کند. برخی پیروزی های تاکتیکی اسرائیل در چند هفته اخیر از جمله حملات پیجری در روزهای ۱۷ و ۱۸ سپتامبر و آسیب های متعاقب آن به ساختار فرماندهی و کنترل حزب الله و همچنین توانایی های نظامی این گروه، اسرائیل را ترغیب کرده تا از فرصت به وجود آمده برای ایجاد یک منطقه حائل سرزمینی در جنوب لبنان استفاده کند. امید اسرائیل این است که پیودیان شهرک نشین در شمال اسرائیل که پس از حملات راکتی حزب الله به شمال اسرائیل آواره شده بودند، بتوانند به خانه های خود بازگردند. علاوه بر این، با توجه به اینکه حزب الله تاکنون به رغم پرتاب ده ها موشک، از جمله موشک های بالستیک به سمت شهرهای بزرگ، هنوز نتوانسته تلافی حملات اخیر اسرائیل را به سرانجام برساند، اسرائیلی ها جسارت بیشتری یافته اند و به این نتیجه رسیده اند که حزب الله به طور قابل توجهی تحلیل رفته و در رویارویی زمینی در جنوب

نگاه
هم می بیند



عکس: Reuters

خواب اسرائیلی

بررسی سناریوهای محتمل در خصوص

به طور کلی با توجه به شرایط فعلی چهار سناریو را در خصوص حمله زمینی اسرائیل به جنوب لبنان می توان متصور شد.

تهاجم زمینی اسرائیل

محتمل ترین گزینه، تهاجم زمینی اسرائیل به جنوب لبنان و به دنبال آن عقب نشینی به سمت مرز خواهد بود. این سناریو مشابه سناریویی است که اسرائیل در آغاز حمله زمینی به غزه اجرا کرد. اگر اسرائیل بخواهد این سناریو را اجرا کند، قاعدتاً باید مشابه تاکتیک هایی که علیه حماس اجرا کرد، تعداد محدودی از نیروها را وارد جنوب لبنان کند. وظیفه این نیروها این است که زیرساخت های حزب الله را هدف بگیرند، در جنگ رودررو تلفات وارد کنند و اسیر بگیرند و بعد به سمت مرز عقب نشینی کنند. چنین عملیاتی احتمالاً با هدف ایجاد یک «منطقه امن» محدود انجام می شود تا نیروهای حزب الله نتوانند در آن مستقر شده و یا به آن ورود کنند. پس از عقب نشینی نیروهای اسرائیل، توپخانه و نیروهای هوایی اسرائیل این منطقه امن را با آتش از راه دور کنترل خواهند کرد. مشابه عملیات ابتدایی اسرائیل در غزه، هدف اسرائیل از این اقدام احتمالاً این است که خطر گرفتار شدن نیروی زمینی خود را در یک جنگ چریکی و پارتیزانی کاهش دهد. ضمن اینکه این اقدام از دیدگاه دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا و دیگر حامیان اسرائیل، کمتر مشکل ساز خواهد بود زیرا توجیهاتی می توان برای آن ذکر کرد و عنوان کرد که این اقدام اشغال آشکار سرزمین های جنوبی

لبنان قادر به دفاع از خود نیست و آنقدر توان ندارد که شهرهای بزرگ اسرائیل را هدف قرار دهد. در نهایت، اسرائیلی ها از عدم تمایل آشکار ایران برای عجله در دفاع از حزب الله یا انتقام جویی سخت از اسرائیل به دلیل ترور اسماعیل هنیه و سیدحسن نصرالله، بهره برداری می کنند. در ۳۰ سپتامبر، یوآو گالاتن، وزیر دفاع اسرائیل اشاره کرد که ممکن است عملیات زمینی در داخل لبنان قریب الوقوع باشد. در همان روز، وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که ایران برای جنگ در کنار حزب الله نیرو اعزام نخواهد کرد.

اسرائیل احتمالاً حداقل یک تهاجم زمینی محدود به لبنان را به عنوان اولین انتخاب خود آغاز خواهد کرد. اگر چه اسرائیل ممکن است راهبردهای تهاجمی تری را برای ایجاد منطقه حائل مورد نظر خود در جنوب لبنان اتخاذ کند اما اعلام کرده که به مانند جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به دنبال نابودی حزب الله نیست بلکه به دنبال تضعیف حزب الله تا مرحله ای است که این گروه مجبور به عقب نشینی از مرزها تا پشت رودخانه لیطانی شده و حملات خود به اسرائیل را پایان دهد. اگر آنچه که اسرائیلی ها می گویند اجرا شود باید گفت که این هدف آنچنان گسترده نیست که نیاز به حمله زمینی فراگیر و همه جانبه به جنوب لبنان باشد. در نتیجه اسرائیل این حمله را با هدف شکستن اراده سیاسی حزب الله برای مقاومت و دفاع و ایجاد یک منطقه حائل در جنوب انجام خواهد داد و در عین حال تلاش خواهد کرد توجهش را از تحولات نظامی و امنیتی در غزه و کرانه باختری منحرف نکند.

به نظر می رسد اسرائیل تاکنون از هرج و مرج موقتی که در ساختار کنترل و فرماندهی حزب الله ایجاد شده استفاده کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، احتمالاً سعی دارد از فرصت ایجاد شده برای از بین بردن شاخه نظامی حزب الله لبنان استفاده کند.

شرایط سخت حزب الله

درگیری ای که قرار بود محدود باشد حالا گسترش یافته است

که هر دو پایگاه حزب الله هستند، آغاز شد. حملات اسرائیل در موج دوم در ۲۳ سپتامبر، مرگبارترین روز در لبنان از زمان پایان جنگ داخلی طولانی مدت آن در سال ۱۹۹۰، تقریباً ۵۰۰ کشته بر جای گذاشت. مقامات اسرائیلی اصرار دارند که این جنگ هنوز یک جنگ همه جانبه نیست. آنها نقشه هایی را برای تهاجم زمینی طراحی کرده اند. همچنین نیروی هوایی بمباران زیرساخت های حیاتی لبنان را آغاز نکرده است. فرودگاه یکی از اولین اهداف اسرائیل در سال ۲۰۰۶ بود.

بر خلاف غزه، جایی که اسرائیل قول شکست حماس را می دهد، ژنرال های اسرائیلی اذعان دارند که پایان دادن به سلطه حزب الله در لبنان غیرممکن است. هدف آنها محدودتر است: مجبور کردن حزب الله به توقف حملات خود به شمال اسرائیل و عقب نشینی نیروهایش از مرز. نیروهای حزب الله از موشک های دوربرد استفاده می کنند و شهرهایی

داینامیک های درگیری ایجاد کرد. حزب الله در اواخر ماه اوت در صدد حمله برآمد، اما اسرائیل موشک های دوربرد حزب الله را قبل از شلیک شدن هدف قرار داد. پس از آن، اسرائیل در ۱۷ سپتامبر هزاران پیجر مورد استفاده حزب الله را منفجر کرد. روز بعد، صدها دستگاه واکا تاکی منفجر شد. این خرابکاری ده ها کشته، هزاران زخمی و آسیب جدی به ارتباطات حزب الله به بار آورد. سپس حملات هوایی در جنوب لبنان و شرق دره بقاع

تحلیل
رسانه

The Economist

آنچه که قرار بود یک درگیری محدود باقی بماند حالا بسیار گسترده تر شده است. در دو هفته گذشته اسرائیل سخت ترین حملات را در تاریخ چهار دهه گذشته به حزب الله وارد آورده است. تغییر تاکتیک های اسرائیل از ماه جولای آغاز شد؛ زمانی که فواید شکر، فرمانده نظامی حزب الله در بیروت هدف عملیات ترور اسرائیل قرار گرفت. این عملیات همچنین شرایطی را در تغییر